رباعی صفی

افشار، ایرج

یادداشت فاضل ارجمند آقای سهیلی خوانساری را دربارهء رباعی معروفی که‏ در اذهان به صفی علیشاه نسبت داده شده است و ازو نیست در شمارهء 8 آن مجله دیدم. چون اینجانب رباعی مورد ذکر را در جامع مفیدی تألیف محمد مفید مستوفی در سال‏های‏ 1082 تا 1090 هجری قمری بنام شاه صفی برادر شاه قوام الدین نور بخش دیده‏ام‏ مفید دانستم که اشارتی بدان مرجع و به آن شاعر نیز بشود تا شاید روزی شاعر حقیقی‏ رباعی معلوم شود.

می‏نویسد.«شاه صفی برادر شاه قوام الدین نور بخشی بود.بسیار درویش‏نهاد و فانی‏مشرب بود.بقدر در تحصیل سعی کرده بود.به شرف طواف بیت اللّه الحرام... مشرف شد.این رباعی از آن جناب است:

هرگز دل هیچکس میازار صفی‏ تا بتوانی دلی بدست آر صفی‏ سررشته همین است نگه‏دار صفی‏ زنهار صفی هزار زنهار صفی

)ص 105 از جلد سوم جامع مفیدی(

حکایت-پارسائی را دیدم در کنار دریا که زخم پلنگ داشت‏ و بهیچ دارو به نمیشد مدتها در آن رنج بود و شکر خدای عز و جل همچنان‏ میگفت پرسیدندش که چه شکر میگوئی گفت شکر اینکه به مصیبتی‏ گرفتارم نه به معصیتی.(سعدی(